

احكام و تعاليم فردى - احتراز از كبر و غرور

حضرت بهاء الله



احتراز از كبر و غرور

حضرت بهاء الله:

- 1 - " من الناس من غرته العلوم وبها منع عن اسمي القيوم وإذا سمع صوت النعال عن خلفه يرى نفسه أكبر من نمود قل أين هو يا أيها المردود تالله إنه لفي أسفل الجحيم " (كتاب اقدس - بند 41)
- 2 - " وليس لأحد أن يفتخر على أحد كل أرقاء له وأدلاء على أنه لا إله إلا هو إنه كان على كل شيء حكيمًا " (كتاب اقدس - بند 72)
- 3 - " إياكم أن يمنعكم الغرور عن مشرق الظهور أو تحجبكم الدنيا عن فاطر السماء قوموا على خدمة المقصود الذي خلقكم بكلمة من عنده وجعلكم مظاهر القدرة لما كان وما يكون " (كتاب اقدس - بند 82)
- 4 - " إياك أن يمنعك الغرور عن مطلع الظهور أو يحجبك الهوى عن ملك العرش والثرى كذلك ينصحك القلم الأعلى إنه هو الفضال الكريم " (كتاب اقدس - بند 86)
- 5 - " لا ترضوا لأحد ما لا ترضونه لأنفسكم اتقوا الله ولا تكونن من المتكبرين كلّم خلقتم من الماء وترجعون إلى التراب تفكروا في عواقبكم ولا تكونن من الظالمين " (كتاب اقدس - بند 148)
- 6 - " إن الإنسان مرّة يرفعه الخضوع إلى سماء العزة والاعتدار وأخرى ينزله الغرور إلى أسفل مقام الذلّة والإنكسار . "



(از ورق سوم از کلمات مبارکه فردوسیّه - ص ۳۵ مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابی)

7 - " ای پسران آمال جامه غرور را از تن برآرید و ثوب تکبر از بدن بیندازید " (ق ۴۷ کلمات مکنونه)

8 - " بلی انسان عزیز است چه که در کلّ آیت حقّ موجود لکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی دیدن خطائی است کبیر "

(ص ۹۵ ج ۳ امر و خلق)

حضرت عبدالبهاء:

1- " انانیت و خود پسندی سبب جمیع اختلافات است . هیچ آفتی در عالم وجود مثل خود پسندی نیست و آن این است که انسان دیگران را نپسندد و خود را پسندد . خود پسندی عجب می‌آورد تکبر می‌آورد و غفلت می‌آورد . هر بلائی که در عالم وجود حاصل میشود چون درست تحرّی بکنید از خود پسندی است . مانباید خود را نپسندیم بلکه سایرین را بهتر بدانیم حتّی نفسی که مؤمن نیستند زیرا حسن خاتمه مجهول است . چه بسیار نفسی که حال مؤمن نیستند و روزی بیاید که ایمان آورند و مصدر خدمات عظیمه شوند و چه بسیار نفسی که حال ایمان دارند ولی در آخر حیات غافل از حقّ گردند . ماها باید هر نفسی را بر خود ترجیح دهیم و اعظم و اشرف و اکمل ببینیم ولی بجز آنکه خود را از دیگران ممتاز ببینیم از طریق نجات و فلاح دور شده ایم . این از نفس اماره است که هر چیزی را بنظر انسان بد مینمایاند بغیر از نفس خود انسان و باین واسطه او را در چاه عمیق ظلماء که ته ندارد میاندازد . هر ساعتی یک ظلمی را بنظر انسان عدل مینمایاند . یک ذلّت محض را شرف کبری ابراز میکند . یک مصیبت عظمائی را آسایش بی منتهی جلوه میدهد و چون خوب تحقیق میکنیم می بینیم این آن بتر ظلماء خود پسندی است زیرا انسان اطوار و رفتار و اقوال دیگران را نمی پسندد بل احوال و آداب و شوون خود را میپسندد . خدا نکند که در خاطر یکی از ما خود پسندی بیاید . خدا نکند . خدا نکند . خدا نکند . خدا نکند . ماها باید وقتی که بخودمان نگاه میکنیم ببینیم که از خودمان ذلیل تر خاضع تر پست تر کسی دیگر نیست و چون بدیگران نظر بیندازیم ببینیم که از آنها عزیز تر کامل تر دانا تر کسی نیست زیرا بنظر حقّ باید بجمع نگاه کنیم . باید آنها را بزرگوار ببینیم و خود را خوار و هر قصوری که در نفسی می بینیم آن را از قصور خود دانیم زیرا ما اگر قاصر نبودیم آن قصور را نمی دیدیم انسان باید همیشه خود را قاصر و دیگران را کامل ببیند... "

بعد از بیان حکایت عبور حضرت مسیح و حواریون بر حیوان مرده (که بنقل از یکی از الواح مبارکه در قسمت "نهی از عیبجوئی" در صفحات قبل مندرج است) میفرمایند :

" اینرا بدانید در قلبی که ذره ای نورانیت جمال مبارک هست کله من از لسانش جاری نمیشود یعنی کله من که دلالت بر خودپسندی کند که من چنین و چنان کردم ، من خوب کردم فلانی بد کرد این کله انانیت ظلمتی است که نور ایمان را میبرد و این کله خود پسندی بکلی انسان را از خدا غافل میکند ." (ص ۶-۱۰۵ قسمت سوم مجموعه خطابات)

2 - " وسائل وصول به حسن خاتمه این است که باید از عجب و کبر احتراز نمود و خود پسندی را مبعوض دانست و در جمیع اوقات شرمسار بود و از هواجس نفس و هوی بیزار و از اهل فتور و غرور در کنار و ثابت برعهد و میثاق و علیکم البهاء الابهی ع ع " (ص ۲۷۱ ج ۵ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

3 - " هر نفس از برای خویش وجودی بیند و خیال تمیز و تفرّدی آن از آثار نفاق است و علامت نفاق . باید شوون خود را فراموش کرد و در مقام فنای محض آمد و الا ملاحظه وجود عاقبت سبب شرک گردد و بادی کفر " (ص ۹۷ ج ۳ امر و خلق)